

پاریس واقعی

یا پاریس روی استیج



میلاد جلیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

المپیک ۲۰۲۴ پاریس به شکل بی‌سابقه‌ای پرحاشیه و چالش‌برانگیز بود و نکته ویژه‌اش این است که سوپه عمده اعتراض‌ها به سمت برگزارکنندگان این رویداد رفت. اولین اعتراضات مدتی قبل از شروع المپیک در اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد؛ جایی که معترضان در خارج از مقر المپیک پاریس جمع شدند تا از برگزارکنندگان درخواست کنند به حقوق مهاجران و سایر افراد بی‌سرپرست احترام بگذرانند، زیرا مقامات پاریس رسماً اعلام کرده بودند که باکسای اردوگاه‌ها را قبل از بازی‌ها افزایش داده‌اند. همچنین کارگران ساختمانی و کارکنان ضرابخانه پاریس که مدال‌های المپیک را می‌سازد و گروه‌های دیگری از کارگران که جزء عوامل برگزاری المپیک بودند، خواستار شرایط و دستمزد بهتر شدند. کارگران فرودگاه هم تهدید به اعتصاب در اواسط ژوئیه کردند که البته این اقدام درنهایت متوقف شد. اعتراض بزرگ‌تر و گسترده‌تر اما شب قبل از افتتاحیه رخ داد؛ جایی که چندین هزار نفر در میدان جمهوری مقابل چشم انبوهی از خبرنگاران بین‌المللی سیج شدند. این رویداد را که «مراسم ضدافتتاحیه المپیک» نامیده شد، بیش از ۸۰ سازمان مردمی به نمایش گذاشتند که بیانیه‌ای تحت عنوان «بازی‌ها، برای کسی چه؟» را امضا کردند. در میان این معترضان، سازمان‌ها و اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های حامی محیط‌زیست، سازمان‌های حامی آزادی‌های مدنی و ساکنان سنت دنیس، منطقه‌ای در شمال شهر که عمیقا و به‌طور منفی تحت تاثیر بازی‌های پاریس قرار گرفته بود، حضور داشتند. گروه فعال Le Revers de la M daille («سوی دیگر مدال») این گردهمایی پرشور را هماهنگ کرده بود. پیش از حضور خیابانی اعضای این ائتلاف بزرگ، بیانیه‌ای مشترک از طرف ائتلافی گسترده‌تر در روزنامه فرانسوی لیبراسیون منتشر شد که تنظیم‌کنندگان آن، سازمان دهندگان المپیک و مقامات منتخب را به خاطر انبوهی از وعده‌های دروغین مورد انتقاد قرار دادند. در این بیانیه آمده بود: «ما می‌بینیم که بازی‌های المپیک عمیقاً زندگی فرانسوی‌ها را مختل می‌کند، بدون اینکه میراث موعود تحقق پیدا کند.» پس این سوال مطرح می‌شود که چه کسی از بازی‌ها سود می‌برد؟ نکته غافلگیرکننده اما برقی بود که به ناگاه و بدون برنامه‌ریزی قبلی از میان نظاهازت جهید؛ همبستگی با فلسطین. پرچم‌ها و جغیه‌ها در میان جمعیت به چشم می‌خورد و سخنرانان پیوند آهنگین‌شان بین آرمان فلسطین و مبارزه ضد المپیک را به نمایش گذاشتند. حضور ورزشکاران اسرائیلی در بازی‌ها و در عین حال روشی از نسل‌کشی که دولت اسرائیل آن را عادی می‌کند، به عنوان نمونه‌ای وحشیانه از «سفیدشویی ورزشی» تلقی شد. «نسل‌کشی یک ورزش تماشایی نیست» به شعاری فراگیر در میان معترضان تبدیل شد، حتی در میان سخنرانان بخشی از مهاجران آفریقایی‌تبار حضور داشتند که سکوتگاه‌های فقیرانه‌شان به عنوان بخشی از طرح «پاکسازی اجتماعی المپیک» نابود شد و آنها آوارگی خود را با آوارگی مردم غزه مرتبط کردند. این راهپیمایی همچنین یک همبستگی بین‌المللی را به نمایش گذاشت که در سراسر جهان به یک جنبش ضد المپیک تبدیل شده است. هنگامی که ناتسوکو ساساکی از گروه ضد المپیک ۲۰۲۴ Saccage روی صحنه رفت از «شعل ضد المپیک» رونمایی کرد؛ یک تلمبه مستراح پر از رویان‌های پارچه‌ای که شعارهای ضدبازی‌ها را در خود داشت. این ششعل ۱۴ سال پیش توسط فعالانی در کانادا متولد شد که مخالف المپیک زمستانی ونکوور ۲۰۱۰ بودند. در آن زمان، ژان سوانسون، فعال قدیمی ضدفقرویان‌هایی را از فروشگاه خریداری کرد تا تلمبه را با آن تزئین کند؛ اما او نمی‌دانست که این ششعل راه خود را در سراسر جهان ادامه خواهد داد. فعالان ونکوور ششعل را به جولیان شین، سازمان‌دهنده ضد بازی‌ها که مستقر در لندن بود دادند و او آن را به اعتراضات علیه المپیک ۲۰۱۲ لندن آورد. او سپس آن را به گروهی از فعالان مستقر در نیوجرسی داد که به المپیک ۲۰۱۴ سوچی اعتراض کردند. ششعل جایگزین درنهایت راه خود را به ریو برای بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۶ و بیونگ چانگ (یک شهرستان در کره جنوبی که در کوه‌های تبیبیک قرار دارد و به همین دلیل برای ورزش‌های زمستانی مناسب است) برای بازی‌های زمستانی ۲۰۱۸ پیش از ورود به توکیو رساند و در اولین اجلاس فراملی ضد المپیک در سال ۲۰۱۹ به‌طور برجسته به نمایش درآمد؛ درست پیش از کرنا که بازی‌های ۲۰۲۰ را گرفتار کرد. اینها همه درحالی رخ می‌داد که کسی دقیقاً نمی‌دانست در روز افتتاحیه المپیک

المپیک ۲۰۲۴ پاریس با حواشی فرهنگی و اجتماعی متعددی برگزار شد

ضد فرهنگ‌ها را

به اسم خرده‌فرهنگ جامی‌زنند



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

«این افتتاحیه بدترین افتتاحیه بود»، «بدترین افتتاحیه تاریخ المپیک رقم خورده» و… این تیتراها در چند روز گذشته در رسانه‌های دنیا چرخیده است تا اعتراضی باشد بر اتفاقی که در افتتاحیه المپیک پاریس رقم خورد. المپیک کارزاری است که به عنوان یک رویداد ورزش، قرار است نمادی فرهنگی برای کشور برگزارکننده‌اش باشد. اما فرانسه با استفاده از یک نگاه اقلیتی باعث شد دنیا این اقدام را محکوم کند. برای اینکه نمادهای فرهنگی که در این افتتاحیه مورد استفاده قرار گرفته‌اند را بررسی کنیم، به سراغ احسان شاه‌قاسمی، استاد دانشگاه تهران و عضو هیات علمی رفه‌ایتم تا او درباره این افتتاحیه صحبت کند.

-
-
-

طبیعتا المپیک فقط کارزار ورزشی نیست، بلکه واجد ویژگی‌ها و عناصری از فرهنگ و زیست‌ملی است که المپیک در آن برگزار می‌شود، آن چیزی که در افتتاحیه المپیک پاریس دیده‌ایم، بازنمایی کدام فرهنگ است؟
آن چیزی که در المپیک دیده‌ایم، بازنمایی هیچ فرهنگی نیست، بلکه بازنمایی خرده‌فرهنگ غلطی است. متأسفانه در چند دهه اخیر روندی در جوامع شکل گرفته که ابتدا از دانشگاه‌های غرب و بعد در همه دنیا اتفاق افتاده که انگار هر ضدفرهنگی باید به نام خرده‌فرهنگی به رسمیت شناخته شود و شما حق ندارید علیه آن صحبت کنید. به محض اینکه علیه این خرده‌فرهنگ صحبت کنید، در همان جوامعی که می‌گویند آزادی بیان، شغل‌تان را از دست می‌دهید؛ اگر استاد دانشگاه باشید، بلافاصله عده‌ای جلوی دانشگاه یا پلاکارد جمع می‌شوند و می‌گویند، این فرد همجنسگرایی را قبول ندارد؛ یا اینکه افکارش، بازنمایی همه گروه‌ها نیست و آن استاد اخراج می‌شود و هیچ دانشگاهی دیگر جرأت استخدام او را ندارد. در همین فرانسه اگر پدری بخواهد DNA فرزندش را چک کند تا ببیند که فرزند خودش است یا نه، بدون رضایت مادر نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ حتی اگر از هم جداشده باشند و فرزند با پدر زندگی کند! این روندی است که شما هر جایی می‌بینید. در انیمیشن‌هایی که نشان می‌دهند تا تبلیغاتی که دارند، هیچ چیز ذاتی نباید وجود داشته باشد، انیمیشن جدیدی دیدم که گروهی از خرس‌ها و گرگ‌های یاغی با هم درگیرند و در ارتش دو طرف از گونه‌های طرف مقابل وجود دارد یعنی در ارتش گرگ‌ها خرس می‌بینیم و برعکس آن هم وجود دارد.

انگار هیچ چیز ذاتی وجود ندارد؛ روی همان شعار اصلی که چیزی به نام زن وجود ندارد و جامعه زن را درست می‌کند، می‌گویند ما چیزی به نام زن مورد نداریم و اینها در جامعه درست می‌شود. اما به همجنسگرایی که می‌رسند، می‌گویند همجنسگرایی وجود دارد و کسی نمی‌تواند آن را نفی کند و اگر نفی کند، باید زندانش را از دست بدهد. این روزها اگر به درمانگر یا روان‌درمانگر مراجعه کنید که می‌خواهم همجنسگرا شوم، استقبال می‌کنند اما اگر به درمانگر مراجعه کنید که می‌داند همجنسگرایی خسته‌هستم و می‌خواهم دگرجنس شوی! داشته باشید، درمان جرم است و کسی حق ندارد درمانی برای این مسأله داشته باشد. برخی از این گروه‌ها اقتدر افراطی هستند که می‌گویند اگر مردی می‌گوید من زن هستم، جامعه باید با او مانند یک زن رفتار کند و این حالتی مسخره و ترسناک پیدا کرده است.

ظاهرا آن چیزی که در افتتاحیه المپیک دیده شد، برینمای ایده‌هایی است که مدعی عدالت جنسیتی است، به‌طور طبیعی چنین ایده‌ای برای همه کشورهایی که در این رقابت حضور دارند، پذیرفته نیست؛ آیا می‌توان این‌گونه تعبیر کرد افتتاحیه المپیک پاریس، سازوکاری را برای تحمل و غلب کرد ایده‌های اقلیتی بوده است؟

بله، حتماً این طرز است و برای تحمل این ایده‌ها که می‌کنند و این راه هم به زیان می‌آوردند. از فردی که این بالماسکه مسخره را درست کرده است، پرسیدند که چرا این کار را انجام دادی؟ که گفت من می‌خوانم همه افراد بازنمایی شوند. خب مگر گروه بزرگی از جامعه مخالف همجنسگرایی نیستند. چرا اینها بازنمایی



اپوزیسیون و خائنان به این مملکت استفاده می‌کند و قبل از این هم دست به اقداماتی زده بود. دشمن همیشه در کمین است و ما نیز نباید نسبت به خدغه‌ها و تزینگ‌های او بی‌تفاوت عمل کنیم. آنها وظیفه دارند تا «شرایط»، «بدون دخترم هرگز»، «تهران»، «آرگو»، «سنسگزار تریا میم»، «زنان بدون مردان» و… بسازند و ما بهتر است به جای انتقاد علیه وضعیت موجود کار خود را انجام دهیم و برای موفق شدن در جنگ فرهنگی و تمدنی قاعده بازی را به شکل درستش بیاموزیم. سینما و به‌طور کل هنر نمایش نباید تنها بیانگر واقعیت و زیست امروزه ما باشد و ما باید بتوانیم با ساخت آثار هنری به افق‌های دورتر نیز فکر کنیم و آینده‌ها را در یاد خواست خود قرار دهیم. بازی نکردن و به رسمیت نشناختن دشمن صهیونیست وظیفه هر انسان شرافتمند و آگاه است و وی نباید به خاطر روبه‌رو نشدن با شهرک‌نشینان رژیم کودکش اسرائیل مورد شماتت قرار بگیرد یا اینکه حیات اقتصادی زندگی و زیست خانوادهاش به مشکل بخورد. مع‌الاسف در سینمای ما اثر قابل توجهی برای مقابله با خیبات ذاتی دشمن اسرائیلی ساخته نمی‌شود یا اگر هم در دستور تولید قرار بگیرد توسط طیفی که کلیت سینمای کشور از تولید و پخش را در اختیار دارند با بی‌اعتنایی مواجه می‌شود. در حالت دیگر هم فیلمساز در مقام مقاطعه‌کار عمل می‌کند و سفارش می‌پذیرد. از طرف دیگر فیلمسازانی در این میان حاضر هستند که با ساخت فیلم، خواسته‌ها یا ناخواسته عملاً در راستای تصویری که دشمن می‌خواهد از ایران به دنیا مخابه‌شود پشت دوربین قرار می‌گیرند و به کار تهیه‌فیلم مشغول

احسان شاه‌قاسمی، استاد دانشگاه تهران از بازنمایی‌های المپیک پاریس می‌گوید

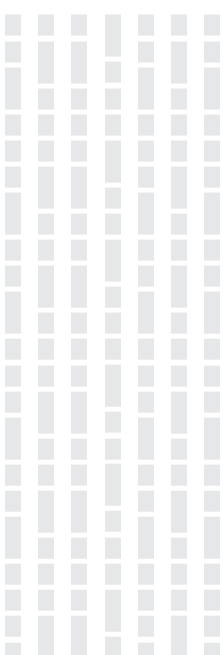
فرهنگ‌نگار

دوشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۱۹۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



می‌شوند. درنهایت چاره کار را باید در چرخه اکران مورد ملاحظه قرار داد، به این شکل که مردم تصمیم بگیرند چه اثری را ببینند و چه فیلمی را با ندیدن عملاً از چرخه اکران خارج کنند تا فیلمساز مجبور باشد برای ادامه حضورش در سینمای ایران تبدیل به تابعی از نظر مخاطب شود و راه جاده خاکی را در پی نگیرد.

فرهنگی و تمدنی قاعده بازی را به شکل درستش بیاموزیم. سینما و به‌طور کل هنر نمایش نباید تنها بیانگر واقعیت و زیست امروزه ما باشد و ما باید بتوانیم با ساخت آثار هنری به افق‌های دورتر نیز فکر کنیم و آینده‌ها را در یاد خواست خود قرار دهیم. بازی نکردن و به رسمیت نشناختن دشمن صهیونیست وظیفه هر انسان شرافتمند و آگاه است و وی نباید به خاطر روبه‌رو نشدن با شهرک‌نشینان رژیم

